

صدای پای عشق

<?xml encoding="UTF-8">



صدای پای عشق

زین سبب تنگ شد جهان بزرگ که جهان تنگ بود و مرد سترگ

امام عشق ، حضرت ابوالشهداء حسین بن علی (ع) را عصر خاصی که سهل است تمام تاریخ نیز تنگ و کوچک است ، او ابر مردی بود که غریب زیست و غریبانه نیز شهید شد و هنوز هم که هنوز است تاریخ حق او را اداء نکرده است .

او از زمین و زمان بزرگ تر بود نه تنها از عصر و روزگارش جلوتر می رفت ؛ بلکه از فردا های دوردست نیز فراتر بود ، حسین (ع) حتی در زمان رسول اسلام (ص) نیز غریب بود و با رحلت آن حضرت این غربت صد چندان شد . چند صبحی از رحلت جانگداز جدش نگذشته بود که مادرش صدیقه طاهره (س) شهید شد و حسین (ع) که آن روزها در ظاهر کودکی 7-8 ساله بود داغ مادر دلش را گداخت و پس از مادر ، امام حسین (ع) و برادر بزرگوارش امام حسن (ع) تنها کسانی بودند که از قعر غربت علی (ع) آگاه بودند و این غربت همچنان ادامه داشت تا آنجا که تاریخ تحمل علی ، آن عدل مجسم و کمال مصمم را تاب نیاورد و در محراب محبت غرق درخونش کرد و به این هم بسنده نکرد ، امام حسن آن « کوثر مهدور » (1) را نیز شهید کرد اینجا بود که غربت امام حسین (ع) به اوج خود رسید ولی امام (ع) خم به ابرو نیاورد و باتوکل به خدا این غربت بزرگ را نیز بیش از ده سال تحمل کرد . آری حسین علیه السلام همیشه غریب بود زیرا که بزرگتر از زمان و فراتر از تاریخ بود و این همان درد بزرگی است که همیشه گریبان گیر نوابغ روزگار و ابر مردان تاریخ بوده است ، امام علی (ع) دومین شخصیت بزرگ عالم انسانیت از این غربت چنین می نالید و خطاب به مردم ، مردمی که اکثریت قریب به اتفاق انسانها را تشکیل می دهند ، می فرمود :

«انی اریدکم الله وأنتم تریدوننی لأنفسکم» ، مردم ! من شما را بری خدا می خواهم و دوست دارم شما ر ت خدا پیش ببرم ، ولی شما مرا بری خود می طلبید و می خواهید تا حسیض ذلت به زیر بکشید ، اما هیئات ... (2)

«الْأَناسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينُ لِعِقْقٍ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحْطُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ بِهِ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ!» (3)

مردم دربند دنیا و برده درهم و دینارند و دین چیزی جز لقلقه زبانشان نیست ، با دین تا آنجا هستند که بتوانند دنیایشان را بچرخانند و زمانی که هنگامه امتحان و ابتلاء پیش آید ، دینداران خیلی اندک می شوند .

بلای بزرگ آن حضرت چیزی جز غربت اونی بود ، امام علیه السلام چنان غریب بود که بزرگانی چون ابن عباس و... نیز او را درک نمی کردند و در مقام نصیحت برمی آمدند که یا حسین این راه را مرو! که کشته می شوی و امام به هر یک از آنها جوابی که درخور شأنشان باشد می داد و به راه خود می رفت . توگوئی با زبان بی زبانی می خواست به آنها

بگوید :

| | |
|-------------------------------|-------------------------|
| آن که می گویم به قدر فهم توست | مردم اندر حسرت فهم درست |
|-------------------------------|-------------------------|

آری بزرگان نیز اورا درک نمی کردند واین درد کمی نیست که انسان ببیند که کسی حرف اورا نمی فهمد ، بلکه برعکس هم می فهمد!!

غربت امام حسین (ع) چنان عمیق بود وهست که انسان بی اختیار به یاد شعری می افتد که می گوید:

| | |
|----------------------------|----------------------------|
| هیچ کس از فقر تو آگاه نیست | خلق را یاری سرالله نیست |
| تو بزرگی خاک میدان تو نیست | آسمان را تاب جولان تو نیست |
| تا زمین از غربت آگاه شد | قطره ی از آن چکیده وماه شد |

امام حسین علیه السلام غریب بود واز این همه غربت دیگر دلش به تنگ آمده بود وچنان درآتش اشتیاق می سوخت که تنها خدا می داند وبس .

حضرت دراین خصوص می فرماید :

اشتیاق من به شهادت ، بیش از آن اشتیاقی است که یعقوب (ع) به دیدار فرزندش یوسف داشت .(4)
پیشوای شهیدان عمری را درآتش اشتیاق سوخته وبا این غربت بزرگ و ژرف ساخته بود وآن روز که پنجاه سال از فراق جدش رسول اکرم (ص) می گذشت این اشتیاق بیش از حد زیاد شده بود ، دیگر طاقتش طاق گشته وخدا خدا می کرد که از خراب آباد دنیا پر بگیرد وپرواز کند ، پرواز تا بردوست ، پرواز تا پیش خدا .
وکر بلا عرش این عشق غریب وسکوی این پرواز عجیب شد ، گوئی این زمین بزرگ از غربت آن حضرت آگاه شده بود که توانست درآسمان عشق وحماسه ، ماه گردد ، ماهی که خورشید درکنار اوشمع کوچکی نیز نمی توان باشد .

کر بلا میزبان مهمانی شده بود که صفای مروه وصفا وعزت مقام ابراهیم بود ومی رفت که ذبح عظیم منای عشق گردد مهمان غریبی که تنها خدی کعبه اورا می شناخت واگر کعبه می دانست او کیست سرخم می کرد وپای اورا می بوسید .

| | |
|------------------------------|-----------------------|
| لویعلم البیت من قد جاء یلثمه | لظل یلثم منه ما ألقدم |
|------------------------------|-----------------------|

به هیچ وجه مبالغه نکرده است آنجا که بزرگ فقیه شیعه، مرحوم سید بحر العلوم گفته است :

| | |
|----------------------------|--------------------------|
| ومن حدیث کر بلا و الکعبه ی | لکر بلا بان علو الرتبه ی |
|----------------------------|--------------------------|

آخر چرا چنین نباشد مگر کعبه وجودش را مدیون کر بلا ومرهون کر بلاها نیست ؟

اگر کربلا و کربلاها نبودند از کعبه هیچ خبری نبود، بگذار کج اندیشان هرچه می خواهند بگویند .
مگر پیامبر (ص) فرمود : حسین منی وانا من حسین .
مگر یزید نمی خواست تیشه به ریشه اسلام بزند و فاتحه دین و قرآن و کعبه را بخواند ؟
آری اومی خواست دین محمد (ص) را نابود و نام و یاد رسول الله را از خاطره ها محو کند و خود ، زمانی که سرمست
غرور و بی عقل از شراب انگور بود پرده از چهره خویش برداشت و خود را رسوا کرد و مستانه نعره زد که:

لعبت هاشم بالملك ولا | خبر جاء ولا وحی نزل

اگر حماسه کربلا نبود، امروز نه تنها از کعبه وحل و حرم خبری نبود، بلکه مقام ابراهیم و جلال و جمال دیگر
پیامبران الهی نیز از بین رفته بود .
امام حسین (ع) با شهادت خویش اصول ادیان آسمانی را بیمه کرد و به اسلام و انسانیت حیات تازه بخشید .
وروزی که امام (ع) وارد کربلا می شود بخوبی می دانست که سرانجام این قیام چه خواهد شد و کربلا چه جایگاه
بزرگی در میان انسانهای بیدار و آزاده خواهد یافت روزی که سید الشهدا (ع) با ورود خویش به صحرای نینوا ، کربلا
را وسعتی از فرش تا عرش بخشید ، نیک می دانست که روزی این کربلا ، کعبه آمال عارفان و سکوی معراج
عاشقان خواهد شد ، حضرت پرسید اسم این صحرا چیست ؟
زهیر، یکی از یاران با وفای امام حسین (ع) جواب داد : به این سرزمین طف می گویند .
امام علیه السلام فرمود: آیا اسم دیگری نیز دارد ؟
زهیر جواب داد : بلی به اسم کربلا معروف است ، حضرت فرمود :
خدایا به تو پناه می برم از کرب و بلا (5) ...
و هنگامی که می خواست هنگامه بزرگ تاریخ را به پاکند و کربلا را برای ابد ، خواستگاه نور و عشق قرار دهد ، منطقه
وسعی را از اهالی نینوا و غاصریه ، به شصت هزار درهم خرید و آن را به مردم آنجا بخشید به شرط این که زائران
قبرش را به مرقدهش راهنمایی کنند و در پذیرائی مهمانان حضرتش مضایقه نکنند . (6)

منبع : سبطین

پی نوشت ها:

- 1- کوثری که درزمین وزمان جاری و جوشان است و نیز نام کتابی تحت عنوان « الامام الحسن الكوثر المهدور »
از نویسند « علی نبراش و مبراس » و « الامام الحسین فی حله البرفیر »، ادیب معروف عرب، سلیمان کتانی .
- 2- نهج البلاغه ، خطبة 136
3. بحار الانوار، جلد 10، صفحه 198
- 4- بلاغه الحسین ، خطبة 23، ص. 144

5-مقتل الحسين ، مكرم ، ص.192

6-مجمع البحرين ، زير كلمة كربلا .